

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: لارن ویلسون
فرستنده: دیلوم انجنیر نسرین معروفی
۰۹ مارچ ۲۰۲۰

چرا من فمنیست نیستم؟



در تحلیل ستم بر زنان به مثابه یک رابطه اجتماعی مشخص، یا طلب رهائی زنان از این نقش اجتماعی، هیچ چیز ضدمارکسیستی وجود ندارد. اما، فمنیسم به مثابه یک ایدئولوژی مشخص، در همه شکل‌های آن، بر این فرضیه نادرست قرار دارد که رابطه بین مردان و زنان، رابطه قدرت مرکزی در جامعه است. این فرضیه در پی آن است که کارگران را با جنسیت دچار تفرقه نماید و به سود طبقه حاکم، برای ادامه ضرورت فمنیسم، تفاوت‌های ما را شدیدتر در برابر هم قرار دهد.

در تحلیل ستم بر زنان به مثابه یک رابطه اجتماعی مشخص، یا طلب رهائی زنان از این نقش اجتماعی، هیچ چیز ضدمارکسیستی وجود ندارد. اما، فمنیسم به مثابه یک ایدئولوژی مشخص، در همه شکل‌های آن، بر این فرضیه نادرست قرار دارد که رابطه بین مردان و زنان، رابطه قدرت مرکزی در جامعه است. این فرضیه در پی آن است که کارگران را با جنسیت دچار تفرقه نماید و به سود طبقه حاکم، برای ادامه ضرورت فمنیسم، تفاوت‌های ما را شدیدتر در برابر هم قرار دهد. چرا؟

فمنیسم نتیجه یک جستار فلسفی ضددیالکتیکی است که تحولات ادامه‌دار و ساختارهای اجتماعی رقیب را در درون جامعه ما نادیده می‌گیرد و به این نتیجه ساده‌انگارانه که بسیار تقلیل‌دهنده و عملاً نادرست است، می‌رسد که همه مردان از ستم بر زنان سود می‌برند. بتازگی، فمنیسم به مکاتب فکری ایده‌آلیسم و پست‌مدرنیسم وارد شده است، به مکاتب فکری که ضدمارکسیسم و جنبش سوسیالیستی هستند و تمرکز بر زبان، هویت و نمادگرایی را به جای تمرکز بر شرایط مادی برگزیده اند.

رسوخ پست‌مدرنیسم در جنبش زنان آشکارا لطف به طبقه سرمایه‌دار است، زیرا جنبش خواست تغییر جامعه را کنار می‌نهد و صرفاً خواهان بهبود جایگاه خود در درون آن می‌شود.

این فرصت مناسبی است برای این‌که به «موج‌های» گوناگون فمنیسم و چگونگی تفاوت آن‌ها با تحلیل مارکسیستی نگاه کنیم. امید من این است که هر زنی که این‌را می‌خواند و به وسیله لفاظی‌های فمنیستی متقاعد شده است، ببیند که فمنیسم (به ویژه در شکل کنونی آن) با ایده هر گونه بازسازی رادیکال جامعه دشمن است و با این آموزش که مرد و نه طبقه حاکم، ستمگر و دشمن آن‌ها است، زیانش بیش‌تر از سود آن است.

موج نخست فمنیسم

نخستین موج فمنیسم عبارت بود از «جنبش حق رأی زنان» (suffragette) بخشی از زنان، که خواهان حق رأی برای زنان بودند. در انگلیس، رهبری جنبش حق رأی در دست زنان ثروتمندی قرار داشت، که در زمانی که اکثریت مردان طبقه کارگر نیز نمی‌توانستند رأی بدهند، در پی حق رأی فقط برای زنان دارای مالکیت بودند. گرچه تاریخ با ملاحظت به جنبش حق رأی زنان نگاه می‌کند (در آن تعدادی رادیکال وجود داشت که در پی حق رأی برای همه زحمتکشان بودند)، محتملاً بدون انقلاب اکتوبر و تحقق برابری کامل حقوقی، از جمله حق رأی، برای زنان در روسیه و اتحاد شوروی، کشورهای غربی چنان سریع به زنان حق رأی نمی‌دادند. برخی از ایالت‌های استرالیا پیش از این به زنان حق رأی دادند، اما تأثیر جهانی انقلاب اکتوبر تضمین نمود که زنان استرالیایی در همه ایالت‌ها حق رأی به دست آوردند. در آن زمان به بومیان استرالیا حق رأی داده شد و این از مطالبات موج نخست کارزار برای حقوق زنان استرالیا نبود.

موج دوم فمنیسم

موج دوم فمنیسم (همچنین معروف به فمنیسم رادیکال یا جنبش رهائی زنان) این را تنویریه نمود که ستم مرکزی که در درون جامعه وجود دارد، ستم مردان بر زنان است، و بر این باور بود که همه مردان از ستم بر زنان سود می‌برند، و این‌که همه زنان تحت ستم قرار دارند و همه مردان در آن ستم نقش دارند. گرچه این به مکتب افکار فلسفی ماتریالیستی تعلق دارد، اما غیرتاریخی، ارتجاعی و غیردیالکتیکی است و قادر نیست از چگونگی پیدایش جامعه طبقاتی که بر روابط بین دو جنس تأثیر می‌گذارد و از چگونگی تأثیر آن بر ساختار اجتماعی جامعه به مثابه یک کل، به یک شناخت تاریخی دست یابد.

موج دوم فمنیسم قادر نیست فراتر از ایده‌های مبتذلی مانند کمون‌های منحصر به زنان، جدائی جنسیتی (چه بر سر کودکان مذکر خواهد آمد؟)، استفاده از هدیه کردن اسپرم برای ادامه بقای نوع بشر، و تبلیغ همجنس‌گرایی سیاسی زنان به مثابه ابزاری برای این‌که زنان خود را از ماهیت ستمگرانه روابط با جنس مخالف آزاد کنند (گویا یک چیز

رهائی‌بخش در محروم ساختن خود از عشق و محبت شریک جنسی که به او کشش دارید فقط به صرف این‌که او یک مرد است وجود دارد!) یک تصویر یا ساختار منسجم از جامعه‌ای که زنان در آن رها خواهند بود، به دست دهد. فمنیست‌های رادیکال بسیاری ترجیح می‌دهند با زنان طبقه حاکم متحد شوند تا با رفقای مرد زحمتکش خود و به این دلیل است که این ماهیتاً یک ایدئولوژی بورژوائی است که وضعیت کنونی امور را تهدید نمی‌کند. چیزی که من مایلم بدانم این است: جامعه نهائی فمنیسم رادیکال چگونه خواهد بود؟ یک جامعه بدون مرد؟ یک جامعه با تعداد کمی مرد که کارهائی با دستمزدهای پائینی را که زنان اکنون انجام می‌دهند، انجام خواهند داد؟

موج سوم فمنیسم

موج سوم فمنیسم، یا چیزی که به فمنیسم لیبرال معروف شد، به چیزی فراروئیده که اکنون به فمنیسم «درهم‌تنیده» (اینترسکشنال) معروف است.

فمنیسم لیبرال خود را با ایده‌های برابری در درون نظام سرمایه‌داری، به عنوان نمونه، افزایش تعداد زنان در مناصب مدیریت شرکت‌ها و رهبری سیاسی، نه به مثابه یک ابزار برای رسیدن به یک هدف سیاسی، بلکه به مثابه یک هدف در خود، مشغول کرده است. فمنیسم موج سوم، به جای تمرکز بر رشد مادی، وظیفه پست‌مدرنیستی و ایده‌آلیستی استفاده از زبان و ایده‌ها را به مثابه راهی برای تغییر جامعه در پیش گرفته است.

فمنیسم لیبرال می‌تواند در زمان‌هائی، بدرستی موضوعاتی را که به طور نامتناسب بر زنان تأثیر می‌گذارند— به عنوان نمونه، تغییرات اقلیمی، خشونت خانگی، دست‌مزد نابرابر، سهم نابرابر از کار خانگی— مشخص نماید. فمنیسم لیبرال موضوعات را از نقطه نظر اخلاقی و نه طبقاتی تحلیل می‌کند. نتیجه این می‌شود که سقط جنین به موضوعی مبدل می‌گردد که به اخلاقیات یک سیاست‌مدار متوسل می‌شود که می‌گوید زنان باید «بر بدن خود کنترل» داشته باشند، و این فاکت را نادیده می‌گیرد که زنان بورژوا همیشه به سقط جنین دسترسی داشته اند و فقط زنان طبقه کارگر باید با پی‌آمدهای (حقوقی و اقتصادی) بارداری ناخواسته روبه‌رو شوند.

به این دلیل است که فمنیست‌های لیبرال پیوسته می‌پرسند: «چرا هیچ‌کس به خشونت خانگی توجه نمی‌کند؟» موضوع این نیست که طبقه سیاسی ما به خشونت توجه نمی‌کند، موضوع این است که ایجاد تغییر رادیکال در شرایط مادی که خشونت را کاهش می‌دهد به سود منافع طبقاتی آن‌ها نیست.

به این دلیل است که ما شاهد این همه حمایت طبقه سیاسی از مؤسسات نمادینی مانند «روبان سفید» هستیم. هر زمان که دیدیم فمنیست‌های لیبرال در مورد چرائی عدم حمایت شرکت‌ها از موضوعات مشخصی از حقوق زنان می‌پرسند، پاسخ همیشه این است: «انجام آن منافع طبقاتی آن‌ها را تأمین نمی‌کند.»

فمنیسم لیبرال مفهوم مارکسیستی طبقه را درک نمی‌کند و ترجیح می‌دهد به آن به مثابه یک موضوع ثروتمند یا فقیر بودن اشخاص برخورد کند، که بدین معنی است که اساساً درک نمی‌کند که منافع زنان طبقه حاکم در تضاد با منافع زنان طبقه کارگر قرار دارد و هیچ مقدار نمایندگی زنان در رسانه‌ها یا در هیأت مدیره شرکت‌ها یا مدیرکلی آن شرکت‌ها، زندگی روزمره زنان زحمتکش را تغییر نخواهد داد.

مارکسیسم و مسئله زنان

رویکرد مارکسیستی به مسئله زنان تنها رویکردی است که خواهان نوسازی انقلابی جامعه برای رهائی همه مردم از استثمار است.

زنان نمی‌توانند تحت یک جامعه سرمایه‌داری به رهائی از بار مسئولیت‌های خانواده مانند پرورش کودکان، کار خانگی، مراقبت از سالمندان و غیره دست یابند و این چیزی است که گروه‌های فمینیست هرگز به آن نمی‌پردازند. به عنوان مثال، اغلب پیشنهادهای فمینیست‌های لیبرال یا رادیکال برای پرداخت پول به زنان برای کار خانگی مطرح می‌شود، اما این اساساً مشکل عدم استقلال زنان در خارج از واحد خانواده را تکرار می‌کند. اگر درآمد یک زن به این دلیل باشد که مراقبت‌کننده اصلی و انجام دهنده کار خانگی است، در آن صورت بدون به خطر انداختن درآمد بالقوه خود، هیچ قدرت یا استقلالی برای ترک یک رابطه یا وضعیت خانوادگی ندارد.

با نگاه به تاریخ و مواضع جنبش‌های فمینیستی غربی، باید برای همه آشکار باشد که زنان طبقه کارگر در حمایت از این ایدئولوژی‌های طبقه حاکم چیزی به دست نخواهند آورد.

زمانی که مارکس از تقسیم نژادی در کارخانه‌های انگلیس بین کارگران ایرلندی و انگلیس که خود را به دو گروه پرولتری رقیب تقسیم کرده بودند- نوشت، نشان داد چگونه طبقه بورژوازی کل خصومت نژادی را می‌آفرید و به آن دامن می‌زد و در پی تفرقه انداختن میان همه زحمتکشان بود، تا آن‌ها نتوانند به مثابه یک عضو پرولتاریا قدرت حقیقی خود را بشناسند - تنها طبقه واقعاً انقلابی که در کنار هم قدرت تغییر شکل کامل جامعه به سود خود را دارد-. طبقه حاکم به استفاده از جنسیت، سن، مذهب، یا هر تفاوت دیگر برای جلوگیری از این‌که ما قدرت جمعی خود را به دست آوریم، ادامه می‌دهد.

هر بار که ما شعارهای پوچ را در باره این‌که زندگی بدون مردان چقدر بهتر خواهد بود، یا این‌که مشکل مردانند، تکرار کنیم گناهکاران حقیقی استثمار و ستم بر خود را فراموش کرده ایم. هدف بسیار کوچکتر از مردان است، هدف طبقه حاکم است.

منبع: گاردین، نشریه حزب کمونیست استرالیا

تارنگاشت عدالت